

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۱۹ جولای ۲۰۱۸

ایران در سرایشی یک قمار

مقاله‌ای را که مطالعه می‌کنید رفیقی که در محل حضور داشته است به نگارش آورده و حزب کار ایران با کمی جرح و تعدیل با حفظ روح و اصالت مقاله آن را منتشر می‌کند.

"ایران بر اثر خیانت‌ها؛ فساد؛ ارتشاء و بی‌برنامگی‌های چهل‌ساله جمهوری سرمایه‌داری اسلامی به بن‌بست کامل رسیده است. هیچ‌چیز و هیچ‌کس بر جای خود نیست و پریشانی و آشفتگی در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنچنان عیان است که جای هیچگونه حاشائی باقی نمانده است، به طوری که حتی برخی از نمایندگان و مهره‌های حاکمیت نیز بدان اذعان می‌کنند و عوام‌فریبانه و شاید هم برای نجات آینده خود چه بسا آهنگ "مردم‌خواهی و مردم‌داری" را به صدا درآورده‌اند. وجدان آگاه جامعه نیز که متأسفانه بر اثر قلع و قمع جمهوری اسلامی به شکل پراکنده، سازمان‌نیافته و بی‌تأثیر در صحنه حضور دارد، با چشم خونبار بر این روند بسیار خطرناک نظاره می‌کند و کاری از دستش در این وضعیت ساخته نیست. جویبارهای خشم و عصبان فراگیر تظاهرات شهروندان، اعتصاب‌های کارگری، اعتراضات کشاورزان، فریاد آموزگاران و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه به‌شکل روزمره در گوشه و کنار کشور برپاست و متأسفانه تشکلی که بتواند در وضعیت موجود این جویبارهای پراکنده را به سمت و سوی یک رود خروشان رهنمون شود موجود نیست و درست در چنین موقعیتی است که گرگ زخمی استعمار به سرکردگی امپریالیسم امریکا و همدستی صهیونیسم؛ صحنه را برای مانورهای سیاسی مناسب دیده و با حمایت مالی و معنوی و رسانه‌ای از گروه‌های خودفروخته که به شکلی فعال وارد عمل شده‌اند پرداخته تا شاید آنها بتوانند در وضعیت موجود به استراتژی جدید امپریالیسم یعنی تقسیم‌بندی و تجزیه خاورمیانه (از جمله ایران) به کشورهای کوچک؛ ناتوان و تحت سلطه خود جامعه عمل ببوشانند. پاره کردن توافقنامه "برجام" از طرف امریکا که از همان روز نخست امری آشکار بود و نتیجه شدت یافتن تحریم‌های اقتصادی علیه ایران با چاشنی دفاع از "حقوق بشر"؛ "آزادی" و "دموکراسی" است، روندی به حساب می‌آید که می‌تواند ایران را به سرایشی سقوط؛ ناامنی بیشتر و حتی جنگ‌های خانمانسوز داخلی سوق دهد. این خواست همه دشمنان ایران در منطقه است و ربطی هم به جمهوری اسلامی و نوع حکومت ایران ندارد. حکومت‌های انقلابی آتی در ایران مسلماً آماج سخت‌ترین حملات خواهند بود.

ابعاد فساد؛ رانت‌خواری؛ اختلاس؛ زد و بند؛ دزدی و پارتی‌بازی به حدی فراگیر شده که شکلی عادی و نهادینه به‌خود گرفته است و خیانتکاران جمهوری اسلامی به‌جای درمان و حرکت در جهت بهبود اوضاع با همان شیوه همیشگی؛ راه

نجات خود را در سرکوب و خفقان می‌بینند و بسیاری از عوامل رژیم که خطر را درک کرده‌اند به قول یکی از آیت‌الله‌ها یا فرار کرده‌اند و یا در حال فراهم کردن شرایط و امکانات فرار هستند. سرمایه‌داران کلان و خرده‌کلان نیز سالهاست که با فرستادن خانواده‌های خود به خارج و تهیه تابعیت از کشورهای دیگر و حتی ارسال بخش‌های زیادی از سرمایه‌های خود با این کشورها؛ پیش‌بینی‌های لازم را برای روز مبادا کرده‌اند.

بیهوده نیست که با گسترش این روند بازار ارزی ایران در عرض چندماه گذشته آنچنان نابسامان می‌شود که دولت با هیچ تدبیری قادر به جلوگیری از افزایش نجومی قیمت ارز نیست، زیرا تمام سرمایه‌داران کلان و خرده‌کلان سعی دارند که سرمایه‌های ریالی بی‌اعتبار شده خود را به طلا و یا ارزهای معتبر دیگری تبدیل کنند و بدین ترتیب از سقوط ارزش سرمایه‌های ریالی خود جلوگیری نمایند. گذشته از آن میلیون‌ها نفر از شهروندانی که با سپرده‌های خود در بانک‌ها؛ با دریافت سودهای بیست تا بیست و پنج درصدی بخشی از مخارج ماهانه خود را تامین می‌کردند و به‌یکباره برپایه قوانین جدید بانکی باید به سودهای ده درصد تا پانزده درصدی اکتفاء کنند، با گسترش گرانی و تورم سرسام آور؛ ارزش پولی پس‌اندازهای خود را در خطر می‌دیدند، برای نجات پس‌اندازهای خود؛ سپرده‌های خویش را از بانک‌ها بیرون کشیدند و با خریدن ارز و یا طلا؛ بر اساس منطق سرمایه‌داری؛ این بازار آشفته را آشفته‌تر کردند و بدین ترتیب با بهم‌خوردن توازن عرضه و تقاضا در بازار؛ قیمت ارز آنچنان رو به افزایش نهاد که دیگر دولت پاسخگوی نیاز و کنترل این بازار نمی‌توانست و نمی‌تواند باشد. در کنار این اصل، نیاز دولت در رفع کسری حجم ریالی خود برای تامین بودجه‌هایش و کارشکنی‌های جناحی و به‌ویژه سپاه در ارتقاء قیمت ارز بی‌تأثیر نبوده است.

از آنجائیکه جمهوری اسلامی در تمام طول عمر خود بطور عمده به تجارت و تاجر و بازار و خرید و فروش مسکن توجه داشته و هیچگونه اقدام مفید و اساسی‌ای در مسیر رشد تولید ملی، رشد صنایع مستقل داخلی، کشاورزی غیروابسته به کنسرنهای جهانی مواد غذایی و در مجموع هیچ‌برنامه‌ای در مسیر خودکفائی انجام نداده است و هر روز در خدمت مصالح بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول؛ وابستگی کشور را در تمام زمینه‌ها به کنسرنها و شرکتها و دول خارجی گسترش داده است، جای تعجب نیست که با رشد قیمت ارز که ناشی از تحریم و محاصره اقتصادی و پاره کردن توافقنامه "برجام" و تهدیدات جنگی و تحریمهای جدید بی‌سابقه اقتصادی از جانب امریکا است، تمام کاخ آرزوهایش برباد رود. تمام وسایل صنعتی، ابزار؛ اجناس؛ آذوقه؛ کرایه‌خانه و خلاصه همه چیز همراه با قیمت ارز در بازار داخلی سیر صعودی به خود می‌گیرد و خلاصه همه چیز با قیمت دالر تعیین می‌شود. بازرگانی که اجناس خارجی را با دالر خریده است، باید همان اجناس را در بازار داخلی با سود مورد نظرش به قیمت روز دالر بفروشد تا قادر باشد مجددا همان جنس را در بازار خارجی تهیه کند. سرگردانی در بازار ارز از خرید و فروش اجناس ممانعت می‌کند و بازار را راکد می‌شود. گرسنگی به پشت در خانه‌ها می‌رسد. هیچکس نمی‌داند با چه قیمتی جنسش را بفروشد که ضرر نکند. اقتصاد ایران از زمان شاه تا کنون اقتصاد تک محصولی باقی مانده است و پشتوانه پول ملی نه اقتصاد و تولید داخلی؛ بلکه پول نفت و یا ارز خارجی آن بوده که آنرا تاکنون حاتمطائی‌وار میان جناحهای مختلف هیأت حاکمه تقسیم می‌کردند و حتی صندوق ذخیره ارزی را که برای چنین روزهایی برای تسکین درد در نظر گرفته بودند، بباد فنا دادند. هیأت حاکمه؛ کشور را بر اساس "پول باد آورده نفت و گاز" اداره و غارت می‌کند و مناسبات مافیائی ایجاد کرده است و نه بر اساس تولید داخلی و سیاست مالیاتی سرمایه‌دارانه.

در حال حاضر کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی به سمت ورشکستگی کامل به پیش می‌روند و بازار به علت کمبود ارز که همیشه سهمیه غارت مردم ایران توسط تجار بازار بود به حالت نیمه تعطیل در آمده است.

مدیر کارخانه‌ای آشنا که تا دو سال پیش ۳۲۰ کارگر و متخصص داشت تعریف می‌کرد که پرسنل خود را در عرض دو سال گذشته به ۱۲۰ نفر تقلیل داده است و اظهار می‌کرد که اگر قیمت ارز به‌طور نسبی ثابت نماند باید حداقل ۵۰ نفر دیگر را از کارخانه اخراج کند.

در بازار؛ بسیاری از فروشگاه‌ها بخصوص فروشگاه‌هایی که لوازم خانگی و الکتریکی می‌فروشد و همچنین بسیاری از طلافروشی‌ها و صرافی‌ها بسته می‌باشند و با تابلوی "تا اطلاع ثانوی این مغازه تعطیل است" و یا نوشته‌ای با مضمون "از خرید و فروش معذوریم" عملاً تعطیل و دست از کار کشیده‌اند.

در فروشگاه‌های شاهد جروبخت خریدار یک یخچال با فروشنده بودم. خریدار اصرار برای خرید داشت و فروشنده از فروش یخچال امتناع می‌کرد و می‌گفت من فعلاً تا زمانی که قیمت ارز تا حدودی ثابت نشود از فروش معذورم زیرا که برای جایگزینی این اجناس باید دالر و یورو پرداخت کنم و من نمی‌دانم تا چند روز دیگر وضعیت بازار ارز چگونه خواهد شد.

در برخی از طلافروشی‌ها قیمت طلا به دالر است و با نرخ دالر در همان روز؛ قیمت طلای خریداری شده به تومان پرداخت می‌شود.

خرید ارز در هیچ صرافی‌ای انجام نمی‌گیرد و فقط از طریق ارتباط یک آشنا انجام شدنی است. قیمت ارز را به شما می‌دهند و اگر توافق شد، بیک آنها به آدرس شما می‌آید؛ ارز را تحویل می‌دهد و با کارت‌خوانی که همراه دارد؛ از کارت بانکی شما مبلغ تعیین شده را به حساب فروشنده ارز واریز می‌کند.

تأثیر قیمت ارز حتی بر روند و قیمت "اجناس داخلی" نیز کاملاً محسوس است. بطور مثال داروهای داخلی که با قیمت مناسب‌تر در دسترس بیماران کم‌درآمد بود، به‌یکباره نایاب و یا بسیار گران شده است و تمام این مسایل در زمانی رخ می‌دهد که بر در و دیوار شهرها و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم شعارهای "با اقتصاد مقاومتی به جنگ دشمنان برویم"؛ "شکوفائی اقتصاد در خرید اجناس ایرانی"؛ "با پشتیبانی از تولید داخلی به مبارزه با بیکاری برویم" و غیره گوش‌ها را کر و چشم‌ها را خیره کرده است.

آنچه را که در حال حاضر در جامعه ایران کاملاً احساس می‌کنید، این است که اکثریت جامعه ایران دیگر حاضر به تن دادن به شرایط اجتماعی حاکم نیست و اگر تا چندی پیش هنوز عده‌ای از مردم در توهّم به سر می‌بردند و فکر می‌کردند که در حاکمیت جناح‌هایی معتدل‌تر و دلسوزتر وجود دارد؛ امروز دیگر این توهّم نیز فرو ریخته است و بی‌اعتمادی کامل نسبت به کل حاکمیت جای آنرا گرفته است و فریاد شعارهای رادیکال که کلیت نظام جمهوری اسلامی را به زیر سؤال می‌برد رساتر شده و رفته رفته جای شعارهای نیم‌بند و اصلاح طلبانه را گرفته است. سیاست‌های مافیائی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی که قانقاریای فساد و دزدی سرپایش را فرا گرفته است به تجزیه طبقه متوسط منجر شده است. بورژوازی متوسط ایران و بخشی از خرده بورژوازی که از قِبَل این بورژوازی تغذیه می‌کند موجودیت خویش را در خطر می‌بیند. دیگر پولی در صندوق نیست که از بالای سر طبقه کارگر تقسیم شود. آنچه بر کارگران رفته بود امروز دامن بورژوازی متوسط را نیز گرفته است. این بورژوازی قدرت معنوی تبلیغاتی و ارتباطات گسترده داخلی و خارجی دارد و این روند رژیم را هراسان ساخته است. پایه‌های حاکمیت رژیم نازک‌تر شده و می‌شود. این رژیم قادر نیز نیست برای حل مشکلات به مردمش تکیه کند زیرا که در آن صورت می‌بایست حقوق این مردم را به رسمیت بشناسد و دشمنان مردم را مجازات کند.

در چنین شرایطی است که قدرت حاکم نیز پی برده است که دیگر با شیوه‌های موجود نمی‌تواند به حاکمیت خود ادامه دهد و درست بهمین دلیل تمام جناح‌های سهمیم و غیرسهمیم در قدرت به دست و پا افتاده و هر جناحی با شیوه‌های خود

سعی در حفظ حاکمیت و نظام دارد. ملاقات اخیر خاتمی رئیس جمهور پیشین را با رهبر؛ عقبنشینی در مقابل خواست‌های تظاهرکنندگان در کازرون و همصدا شدن برخی از مهره‌های حاکمیت با شعارهای مردم را در این چارچوب می‌توان دید.

بدون شک از آنجائیکه جمهوری اسلامی دیگر تکیه‌گاهی مردمی ندارد و از طرفی بدیلی برای پیشبرد و رهبری این مبارزات موجود نیست، برای این رژیم راهی بجز تکیه بر قدرت‌های خارجی و عقبنشینی در برابر خواست‌های آنها باقی نمی‌ماند و آنها بدون شک و قدم به قدم به "نرمش‌های قهرمانانه" دیگری تن خواهند داد، و همانگونه که در زمینه فناوری هسته‌ای زانو زدند و میلیاردها ثروت این مرز و بوم را برباد دادند، باردیگر نیز در برابر آنها سرتعظیم فرود می‌آورند و چه بسا تا خروج از سوریه، دشمنی با ملت فلسطین؛ به رسمیت شناختن موجودیت صهیونیسم اسرائیل در منطقه برای بقاء خود پیش روند. و من چشم‌انداز این عقبنشینی را در شعارهای سیاسی امسال "روز قدس" احساس کردم. شعارهایی که از "مرگ بر امریکا" و "مرگ بر اسرائیل" به شعارهای "فینگلی امریکا"، "جینگلی اسرائیل"، "انشاءالله بمیری"، "مرض بگیری" و اینگونه شعارهای پرنرمش به صورت "قهرمانانه‌ای" تغییر کرده بود.

و مسلما این روند بستری خواهد شد برای تغییر اساسی در جهت منافع امپریالیسم غرب به سرکردگی امریکا که به شکل یک کودتای نرم از درون حاکمیت و یا یک کودتای نظامی خونین به سمت قدرتمندی و نفوذ دوباره امریکا در ایران پیش خواهد رفت. امر تجاوز خارجی توسط عربستان سعودی و اسرائیل و همدستان آنها را نمی‌شود از نظر دور داشت. ایران با رژیم فاسدی که دارد، رژیمی که متکی به مردم کشورش نیست، قادر نخواهد بود به یک جنگ فرسایشی تن در دهد.

آنگاه چنانچه زمینه‌های سیاسی و اجتماعی منطقه نیز مهیا باشد، راه برنامه استراتژیک کنونی امریکا برای تقسیم مجدد خاورمیانه و از جمله ایران به مناطق کوچک و قابل کنترل هموارتر و عملی‌تر خواهد شد.

امروز از نظر من یکی از وظایف بزرگ نیروهای ملی و مردمی برملا کردن و خنثی نمودن این سیاست امپریالیسم امریکا و دست‌نشانندگان اوست که بانی این همه جنایت بر علیه بشریت و مسبب کشتار میلیونها انسان در خاورمیانه می‌باشند. کشتاری که فقط و فقط به خاطر دستیابی؛ غارت و چپاول منابع نفت؛ گاز و دیگر ذخایر معدنی موجود در این منطقه صورت می‌گیرد و دامنه آن با مقاومت خلق‌های منطقه پیوسته در حال گسترش است.

حزب ما در شرایطی که ابعاد فاجعه هر روز بیشتر نمایان می‌گردد، ضرورت تشکیل یک جبهه وسیع مردمی را برای تحقق خواسته‌های اساسی و اصولی زیر احساس می‌کند.

حفظ تمامیت ارضی ایران و مبارزه با سیاست امپریالیستی تقسیم مجدد خاورمیانه.

برسمیت شناختن حقوق جهانی کشور ایران به منزله عضوی از جامعه جهانی ملل.

احترام به حق حاکمیت کشور ایران و به ویژه حق حاکمیت کلیه ممالک منطقه.

پذیرش این اصل که تعیین حاکمیت هر کشور به عهده مردم همان کشور است و نه نیروی خارجی.

مبارزه با دخالت خارجی و تهاجم خارجی به ایران به هر بهانه‌ای که مطرح شود.

پذیرش این اصل که سرنوشتی رژیم سرمایه‌داری؛ فاسد و خیانتکار جمهوری اسلامی؛ تنها باید به دست مردم ایران

صورت گیرد، یک امر بدیهی است. این سرنوشتی باید در خدمت مردم ایران بوده و به استقرار یک ایرانی

دموکراتیک؛ ضد امپریالیست و ضد صهیونیست منجر شود.

حزب کار ایران (توفان) خواهان همکاری با همه احزاب؛ سازمانها و گروه‌هایی می‌باشد که با این اصول موافق بوده؛ مزدوری بیگانه و اخاذی مالی از امپریالیسم و صهیونیسم و ممالک ارتجاعی نظیر عربستان سعودی را محکوم کرده و

حاضر نیستند با مشارکت کنندگان در نشست امپریالیستی-صهیونیستی "تریونال لندن" که از این کمکها منتفع شده‌اند، و بلندگوی تجاوز به ایران بودند، همکاری نمایند.

ما بر این نظریه که مرز میان نیروهای انقلابی ایران که خواهان سرنگونی این رژیم تنها به دست مردم ایران؛ آنهم برای استقرار حکومتی دموکراتیک؛ ضد امپریالیست و ضد صهیونیست هستند و مزدوران ضد انقلابی ایرانی که هوادار شرمگین تجاوز آمریکا و اسرائیل و حامی دخالت خارجی در امور داخلی ایران بوده و قصد دارند سیاست خارجی ایران را در جهت منافع ترمپ و نتانیاهو در منطقه تغییر دهند، امروزه به طور روشنی نمایان شده است. این عده در اساس خویش تلاش دارند با ایجاد "جبهه سوم" در پارکابی امپریالیسم و صهیونیسم و در دشمنی با میهن دوستی مردم کشور ما؛ راه تجاوز به ایران را هموار کنند. مبارزه با جمهوری سرمایه‌داری اسلامی جدا از مبارزه با مزدوران و مشارکت‌کنندگان در تریونال امپریالیستی-صهیونیستی لندن و با شعارهای انحرافی نیست. حزب ما از شعارهای انحرافی "توده‌ها" به نفع آمریکا و اسرائیل و سلطنت‌پهلوی که محصول سالها شستشوی مغزی رسانه‌های بیگانه و حضور هیولای دزد جمهوری اسلامی در ایران است، هرگز حمایت نخواهد کرد. کمونیستها هرگز دنباله‌روی "توده‌ها" نیستند و با سازمان خود وظیفه رهبری مبارزات آنها را بعهده دارند. دنباله‌روی از "توده‌ها" و توده‌خواهی؛ همان راه آزموده دخیل بستن به آیت‌الله خمینی در انقلاب بهمن است، که نتیجه‌اش بر همه روشن می‌باشد. حزب ما در این زمینه در آن دوره هشدار داد و این بار نیز مجددا هشدار می‌دهد.

برگرفته از توفان شماره ۲۲۱ مردادماه [اسد] ۱۳۹۷ - اگست ۲۰۱۸

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)